



شرح منظومه‌ی دره‌ی عروضی

شیخ نوری باباعلی قره‌داغی

ترجمه‌ی دکتر سید محسن مهرابی

شرح‌نویس



شرح منظومه‌ی دُرّہ‌ی عروضی

شرح منظومه‌ی دُرّهی عروضی

شیخ نوری باباعلی قره‌داغی

ترجمه‌ی

دکتر سیدمحسن مهربانی



باباعلی قره‌داغی، نوری، ۱۲۸۵-۱۳۷۵ق.	سرشناسه
شرح منظومه‌ی ذره‌ی عروضی فارسی العروض (منظومه)	عنوان قراردادی
شرح منظومه‌ی ذره‌ی عروضی / نوری باباعلی قره‌داغی؛ ترجمه‌ی سیدمحسن مهربابی	عنوان و نام پدیدآور
تهران: نشر خزه، ۱۴۰۲.	مشخصات نشر
۱۴۲ص: مصور، جدول؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.	مشخصات ظاهری
۹۷۸-۶۲۲-۵۸۵۸-۲۸-۲	شابک
لیبیا	وضعیت فهرست نویسی
نماینده	یادداشت
شعر عربی -- قرن ۱۹م. -- تاریخ و نقد	موضوع
Arabic poetry -- 19th century -- History and criticism	
عروض عربی	
Arabic language -- Versification	
مهربابی، سیدمحسن، ۱۳۵۸ - مترجم	شناسه افزوده
نودهن، محمد معروف، ۱۷۵۳ - ۱۸۲۸م. العروض (منظومه)	شناسه افزوده
۲۲۸۰ PJA	رده بندی کنگره
۸۹۲/۷۱۵	رده بندی دیویی
۹۱۶۷۵۴۰	شماره کتابشناسی ملی

شرح منظومه‌ی ذره‌ی عروضی
 شیخ نوری باباعلی قره‌داغی
 مترجم: دکتر سید محسن مهربابی
 ناشر: نشر خزه
 چاپ اول: ۱۴۰۲
 شمارگان: ۳۰۰ نسخه
 ۱۴۲ صفحه
 صفحه‌آرایی: مریم نطقی طاهری
 طراحی جلد: غزل فرجی
 چاپ و صحافی: پردیس دانش
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۸۵۸-۲۸-۲
khazepub@gmail.com
 khazepub

فهرست

۷.....	پیشگفتار
۹.....	مقدمه‌ی مترجم
۴۳.....	متن منظومه
۵۵.....	اجزای شعر
۷۱.....	بحور عروضی
۷۳.....	بحر طویل
۷۷.....	بحر مدید
۸۱.....	بحر بسیط
۸۵.....	بحر وافر
۸۷.....	بحر کامل
۹۳.....	بحر هزج
۹۵.....	بحر رجز
۹۹.....	بحر رمل
۱۰۳.....	بحر سریع
۱۰۷.....	بحر منسرح
۱۱۰.....	بحر خفیف
۱۱۴.....	بحر مضارع
۱۱۶.....	بحر مقتضب
۱۱۸.....	بحر مجتث
۱۲۰.....	بحر متقارب
۱۲۴.....	بحر متدارک
۱۲۶.....	خاتمه به قلم شارح
۱۳۱.....	نمایه‌ها

حدیث آرزومندی که در این نامه ثبت افتاد
همانا بی غلط باشد که حافظ داد تلقینم

پیشگفتار

در سال‌های دبیرستان و در کتاب درس فارسی، مطلبی آمده بود از استاد ملک‌الشعراى بهار در مورد عالم بزرگ محمد بن جریر طبری (۲۲۴ - ۳۱۰ ه.ق.) و زندگی و سیر دانش‌آموختگی او. در بخشی از نوشته‌ی بهار، طبری به مصر سفر می‌کند. در آنجا طالبان علم از هر علمی از او سؤالی می‌پرسند و او به خوبی از عهده‌ی رفع مشکل طلاب بر می‌آید تا اینکه شخصی، پرسشی از علم عروض بر او عرضه می‌کند و این در حالی است که علامه تا آن زمان عروض نخوانده. وی، به بهانه‌ی اینکه امشب عهد کرده‌ام که از عروض حرف نزنم پاسخ به پرسش جوان سائل را به صبح فردا موکول می‌کند. شبانه، کتاب عروض خلیل بن احمد را می‌خواند و فردا به عنوان عالم عروضی در این مورد، داد سخن می‌دهد. جمله‌ی معروف «امسیتُ غیر عروضی و اصبحْتُ عروضیا» که به صورت مثل سائر در آمده هم مربوط به همین حکایت است. خواندن این بخش از کتاب درسی، مرا به آشنایی با عروض ترغیب کرد. با این حال از دبیر مربوطه شنیدیم که عروض، علم آهنگ شعر است. در همان سال‌ها، شاید دو سال بعد، از پدر بزرگم که اهل شعر بود و به حافظ و مولانا عشق می‌ورزید، شنیدم که در سال‌های گذشته علاقه‌مندان به شعر و ادب، مثنوی مولوی را به آهنگی خاص می‌خواندند. پدر بزرگ، غزل‌های حافظ و مولوی را هم به آهنگ و ریتمی متفاوت زمزمه می‌کرد. به این نتیجه رسیدم که این آهنگ، همان عروض است. ضبط صوت و نوار کاسیت را آماده کردم و از ایشان خواستم که علاوه بر خواندن مثنوی به همان آهنگ سنتی، غزل‌هایی را هم به صورت آوازی برایم

بخواند. هر چند امروز، آن نوار کاست در بین تعداد کثیر کاست‌های بایگانی‌شده در زیرزمین خانه مفقود شده، اما در آن سال‌ها مرا به این توهم انداخت که عروضی شده‌ام و دست کمی از علامه‌ی آزموده‌کار، طبری، ندارم.

در سال‌های دانشجویی در دانشکده‌ی مهندسی دانشگاه آزاد گچساران، با کلاس‌های ادبیات شادروان دکتر هاشم محمدی آشنا شدم و در همان کلاس‌ها مقدمات عروض را آموختم و فهمیدم که علم عروض بسی مشکل‌تر از آهنگ‌های پدربزرگ است، هر چند با یادگیری یک ریتم از آن آهنگ‌ها می‌توانستم تمام اشعار در آن بحر خاص را به خوبی تشخیص دهم. با یادگیری دروس مقدماتی، باز هم به توهم افتادم که عروض می‌دانم اما تذکر استاد فقید مرا از این فکر خام بیرون آورد تا باز هم عروض بخوانم.

گرچه در سال‌های اخیر چند باری در دانشگاه به عنوان مدرس، عروض گفته‌ام و نمره‌ای هم به دانشجویان داده‌ام اما امروز که در مقام ترجمه‌ی این اثر برآمده‌ام بدون هیچ مجامله‌ای ادعای عروضی بودن ندارم. عروض، بسی گسترده است و بسیار فرار. ملک‌الشعرا، در همان یادداشت، عروض را از مشکل‌ترین و پرزحمت‌ترین علوم خوانده است. علمی که آموختن آن پشتکار و ممارست می‌طلبد. باید ماه‌ها و سال‌ها عمر عزیز را در تمرین بحور و زحافات عروض صرف کرد. شاید من چنین وقتی را صرف یادگیری علم عروض نکردم، اما این مقدمه را به عنوان مترجم یک اثر عروضی، با گرامی‌داشت یاد و خاطره‌ی اولین معلمان عروض خود که هر دو روی در نقاب خاک کشیده‌اند و با ادای احترام به دانشجویانی که در سال‌های اشتغال و تدریس مرا معلم عروض خود می‌دانستند به پایان می‌برم. اللهم اغفرنی.

سیدمحسن مهرابی

کرمانشاه - تابستان ۱۴۰۱

مقدمه‌ی مترجم

۱. معرفی کتاب، ناظم و شارح

کتاب منظومه‌ی *دُرّه‌ی عروضی* در قرن سیزدهم هجری توسط معروف نوده‌ی سروده شد و در میانه‌ی قرن چهاردهم (۱۳۵۰ ق) توسط شیخ نوری قره‌داغی به زبان عربی شرح شد. کتاب، حاصل طبع شعر و تفسیر نویسندگانی است که توجه خاصی به ارجوزه و نیز علم عروض داشته‌اند. همچنان که در مباحث بعدی خواهیم گفت، هم معروف و هم شیخ نوری و نیز استادان آنها آثار متعددی در ارجوزه داشته‌اند که تعدادی از آنها عروضی هستند. توجه و تمرکز ناظم، به عروض عربی است به گونه‌ای که بحث را با بحور عربی چون طویل و مدید آغاز می‌کند. شاید بتوان چنین گفت که معروف در سرودن منظومه‌ی *دُرّه‌ی عروضی* تحت تأثیر استادش بیتوشی است که صاحب چندین منظومه چون *منظومه در بیان افعال*، *در بیان مثلثات افعال و اسماء*، *در بیان مؤنثات سماعی*، *مصادر، الکافی فی عروض و القوافی* و

روش ما در ترجمه‌ی این اثر، ترجمه‌ی آزاد است که در آن آزادی مترجم محدود شده است. در تعریف ترجمه‌ی آزاد آورده‌اند که «در آن جملات و عبارات متن اصلی به دلخواه مترجم پس و پیش می‌شود و گاه مطالبی غیر از گفته‌های مؤلف بر آن افزوده و یا از آن کاسته می‌شود.» محدودیت مترجم در آزادی ترجمه به این ترتیب است که تا حد امکان، جمله‌ای را پس و پیش نکرده و یا عبارتی را به متن کتاب نیفزوده است. با این حال، ترجمه‌ی کتاب لفظ به لفظ و یا به اصطلاح نعل به نعل هم نیست و رویکرد ترجمه به گونه‌ای است که مطابق ساختار زبان فارسی باشد و برای خواننده‌ی فارسی‌زبان آشنا جلوه کند. مثلاً در برخی موارد، شارح در بیان توضیحی که می‌آورد نکات نحوی را هم ذکر می‌کند. به عنوان نمونه می‌گوید که ضمیر *هو* در جمله‌ی قبل به کلمه‌ی *فلان* برمی‌گردد. ترجمه‌ی این عبارت در سیاق فارسی معمول نیست. در همین مباحث نحوی گاهی کلمه‌ای را ترکیب می‌کند و صیغه و نوع آن را می‌آورد. برخی از این اشارات نحوی برای

خواننده‌ی فارسی‌زبان درس عروض، مفید نیست و حتی ممکن است سبب تشویش ذهن او هم باشد. مثلاً به مبتدای دوم یا خبر مقدم و بدل و... اشاره می‌کند. پس در ترجمه‌ی متن عربی تغییر ایجاد می‌شود. در جملاتی نیز ضمیر را حذف کردیم و فقط شناسه در فعل را آوردیم و به جای اینکه مطابق ترجمه‌ی تحت اللفظی بگوییم «ما می‌دانیم» به ذکر «می‌دانیم» بسنده کردیم. در سیاق و سلیقه‌ی عربی تکرار یک فعل را جایز و حتی مستحسن می‌گویند. حذف و یا تغییر فعل مکرر نیز از مواردی است که در ترجمه اعمال شده است. بعضی از عبارت‌های دعایی و یا آرزویی را نیز که در سیاق کلام عرب جایز است اما در متون فارسی خوشایند نیست به دو صورت ذکر کردیم؛ یا همان عبارت عربی را آوردیم و یا جمله‌ی دعایی را حذف کردیم. مثلاً نمی‌نویسیم که «ان شاء الله و به لطف خدا در مباحث بعدی این مطلب را توضیح خواهیم داد». در مواردی که توضیح بیشتر لازم باشد و یا بین عروض فارسی و عربی اختلاف باشد، نکاتی در پاورقی ذکر شده است. از آنجا که ابن شارح نیز چند یادداشت در پاورقی دارد مطالب ایشان با ذکر نامش مشخص شده است و یادداشت‌های بدون نام و نشان از مترجم است.

در ادامه به معرفی کوتاهی از ناظم و شارح کتاب و تعریف عروض و ارجوزه می‌پردازیم:

۱-۱ معروف نوده‌ی

محمد معروف بن مصطفی نوده‌ی در سال ۱۱۶۶ ق. در روستای نوده از توابع شهر باژیر در سلیمانیه‌ی عراق متولد شد. او برای تحصیل علم به سلیمانیه رفت و در آنجا فقه و حدیث و تفسیر را در محضر ابن الحاج زانوی فراگرفت. معروف، برای آموختن علوم ادبی از کلاس‌های عبدالله بیتوشی استفاده کرد. وی در شاخه‌های ادبیات عرب به ویژه بلاغت و در علوم دینی در زمینه‌ی تفسیر، حدیث، اخبار و قرائت به رتبه‌ی استادی می‌رسد. نوده‌ی، از پیروان فرقه‌ی قادریه و نوربخشیه در تصوف است. وی، پس از اتمام تحصیل و در زمان اقامت در سلیمانیه، با شیخ علی برزنجی که از مشایخ بزرگ طریقه‌ی قادریه بوده آشنا می‌شود و در محضر او مراحل سیر و سلوک عرفانی را می‌گذراند و در این راه نیز به مرحله‌ی کمال و پیری می‌رسد. معروف در سال ۱۲۵۴ ق. درگذشت و در حومه‌ی شهر سلیمانیه‌ی عراق به خاک سپرده شد (مردوخ، ۱۳۹۰: ۳۵۹ و روحانی، ۱۳۸۵: ۱۵۵).

آثار معروف:

۱. فرائد في نظم العقاید
۲. الفريده في العقیده
۳. قطرُ العارض في علم الفرائض
۴. زادُ المعاد في مسائل الاعتقاد
۵. سُلّمُ الوصول في علم الاصول
۶. عَقْدُ الدَّرَرِ في مُصْطَلَحِ اهلِ الاثر
۷. تَرْصِيفُ الْمَبَانِي في نظم تصريف الزنجاني
۸. الشامل في نظم العوامل
۹. الاعراب نظم قواعد الاعراب
۱۰. كفايه الطالب نظم كافيه ابن حاجب
۱۱. الْقُطُوفُ الدَّوَانِي في حُرُوفِ المعاني
۱۲. فَتْحُ الْمُؤَوَّقِ في عِلْمِ المنطق
۱۳. تنقيحُ العبارات في توضيح الاستعارات
۱۴. نظمُ الرساله العضديه في علم الوضع
۱۵. نظم آداب البحث
۱۶. عَمَلُ الصياغه في علمِ البلاغه
۱۷. فَتْحُ الرّحْمَنِ في علمي المعاني و البيان
۱۸. غَيْثُ الرّبيع في علمِ البديع
۱۹. الجواهرُ النّضيد في قَوَاعِدِ التجويد
۲۰. فَتْحُ المّجيد في علم التجويد
۲۱. تنويرُ البصائر في التحذير عن الكبائر
۲۲. رَوْضُ الزّهر في مناقِبِ آلِ سيد البشر
۲۳. عَقْدُ الجواهر في الصلوه و السلام على سيد البَشَر
۲۴. نظمُ العروض
۲۵. التعريف بِابوابِ التصريف
۲۶. كَشَفُ الغامِض شرح منظومه قطرِ العارض در فرائض

۲۷. كشفُ البأسا بِأَذْكارِ الصباحِ و المساء

۲۸. احمديه

۲۹. البرهان الجلی فی مناقب سید علی (همان).



یکی از فرزندان ناظم به نام احمد بن محمد معروف نوده‌ی (۱۳۰۵ق.) نیز از فضلا و نویسندگان و صاحب چندین اثر بوده است. از آن جمله: سه رساله، صلاة الحاجه، فك القفول فی شرح سلم الوصول، مکاتیب و مکتوبات کاک احمد.

۱-۲ شیخ نوری قره‌داغی

شیخ نوری فرزند شیخ باباعلی قره‌داغی در دهه‌ی هشتم از قرن سیزدهم هجری در روستای تکیه از توابع ناحیه‌ی قره‌داغ به دنیا آمد. این روستا از مراکز معتبر علمی و دینی آن منطقه از قرن سوم هجری به بعد است. شیخ نوری، سال‌ها در مدرسه‌ای که به نام پدرش شناخته می‌شد تدریس کرد. از جمله‌ی شاگردان او می‌توان به ملا عزیز جوانروی، ملاعزیز کانی همزه‌ای، ملاحسین المه‌سویی، مصطفی زلمی و... اشاره کرد.

از نوری تألیفاتی چند به جا مانده است:

شرح تشریح الأفلاک از شیخ بهایی

انساب السادات

صرف و نحو عربی

دیوان شعر

شیخ نوری در سال ۱۳۷۵ ق. درگذشت و در کنار مقبره‌ی معروف نوده‌ی در سلیمانیه دفن شد.

۲. ارجوزه و منظومه

استفاده از شعر و کلام آهنگین، یکی از شیوه‌های آموزش است. چنین روشی در گذشته در علوم مختلف و برای رده‌های سنی گوناگون انجام می‌شد و امروز در ادبیات کودک و نوجوان و بیشتر برای آموزش مسائل اخلاقی و یا ریاضی و... به کار گرفته می‌شود. مطابق این نظر می‌توانیم شعر را به دو بخش تقسیم کنیم. شعری که بیان‌کننده‌ی خیال و عاطفه‌ی شاعر است که قاطبه‌ی اشعار را شامل می‌شود و شعری که فاقد

جلوه‌های خیالی و عاطفی است. در این حالت شعر به معنی کلام مخیل نیست و فقط کلام آهنگین موزون و مقفی را شامل می‌شود که گاهی هدفش آموزش است. درسنامه‌های شعری به اوزان مختلف سروده می‌شوند، اما به علت سهولت در بیان و راحتی در به خاطر سپردن و نیز تعدد جوازات ذکر شده در بحر رجز که کار را برای ناظم آسان می‌کند، غالب این منظومه‌های تعلیمی به بحر رجز سروده شده‌اند. به همین علت و بنا بر تسمیه‌ی کل بر جزء، نام این منظومه‌ها را ارجوزه نامیده‌اند. پس در حالت کلی، ارجوزه به منظومه‌هایی گفته می‌شود که به هدف آموزش علوم عقلی و نقلی به بحر رجز سروده شده است. نکته‌ی جالب توجه این است که در شعر عرب و در میان همه‌ی بحور شعر تازی، بحر رجز که شاید یکی از کهنه‌ترین بحرهای شعر عربی است، توجه شاعران و راویان بزرگ را به خود جلب نکرده و نتوانسته است کیفیتی جدی برای خود کسب کند (آذرنوش، ۱۳۶۳: ۴۱). می‌توان چنین گفت که رجز در ابتدا بیشتر برای پرداختن قطعات کوچک و بداهه‌سرایی علمی که چندان نیازمند ذوق شاعرانه نبوده به کار رفته است.

دکتر سیدحسن امین (۱۳۸۸: ۲۲) با صراحت اعلام می‌کند که در هیچ یک از فرهنگ‌ها و دایرةالمعارف‌های معتبر، مدخلی به نام ارجوزه نیافته است. ایشان برای اثبات ادعای خود به لغت‌نامه‌ی دهخدا، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی و دانشنامه‌ی جهان اسلام استناد می‌کند. در فرهنگ معین (۱۳۷۵: ۹۴) و فرهنگ عمید (۱۳۵۷: ۱۱۰)، ارجوزه به معنی قصیده گونه‌ای به وزن رجز و یا رجزخوانی در میدان جنگ آمده و اشاره‌ای به مفهوم تعلیمی آن نشده است. در غیاث اللغات (۱۳۶۳)، برهان قاطع (۱۳۶۲) و فرهنگ انجمن آرای ناصری (۱۲۸۸ ق.) هم مدخلی به نام ارجوزه نداریم. همین موارد، مؤید ادعای سیدحسن امین است.

علی‌ای حال، در تاریخ ادبیات، آثار متعدد و ارزشمندی با موضوع منظومه‌های تعلیمی و ارجوزه داریم که از مهمترین آن‌ها در ایران می‌توان الفیه‌ی ابن مالک در علم نحو، منظومه‌ی حاج ملاهادی سبزواری در فلسفه و منطق، و نصاب الصبایان ابونصر فراهی در آموزش لغت برای نوآموزان را نام برد. شاید بتوان قدیمی‌ترین ارجوزه‌ی فارسی را دانشنامه‌ی حکیم میسری در طب بدانیم که در قرن چهارم سروده شده است (ر.ک. امین، ۱۳۸۸: ۲۳). دکتر جلال شوقی، از دانشمندان و اعضای فرهنگستان زبان عربی در قاهره،

در کتاب *العلوم العقلیه فی المنظومات العربیه* (چاپ ۱۹۹۰، کویت) متجاوز از ششصد منظومه‌ی علمی را نام برده است (ر.ک. محقق، ۱۳۹۱: ۲۱). آقابزرگ طهرانی در *الذریعه*، منظومه‌های علمای شیعی در علوم مختلف را ۶۳۶ عدد ذکر می‌کند که از آن میان ۲۳۴ منظومه، ارجوزه هستند (امامزاده و عبدالهی، ۱۳۸۸: ۱۲). هم‌چنان که مشاهده می‌شود بیان موضوع با شعر و آموزش یک علم با بهره‌گیری از ریتم و آهنگ، سابقه‌ای دیرینه دارد و از گذشته تا کنون به فراخور موقعیت در علوم مختلف و نیز برای رده‌های سنی متفاوت به کار رفته است. در زیر ابیاتی چند از برخی از این منظومه‌های تعلیمی (اعم از ارجوزه یا غیر آن) را ذکر می‌کنیم:

۲-۱ منظومه در نحو

نظر به اهمیت و نیز مشکل بودن علم نحو، چندین ارجوزه در این علم سروده شده است. این ارجوزه‌ها به فارسی و عربی، راهنما و مساعد طلاب دینی و ادبی بوده‌اند.

۲-۱-۱ الفیه‌ی ابن مالک

الفیه، کتابی است از محمد بن مالک (قرن هفتم هجری)، که در آن قواعد صرف و نحو عربی را در هزار بیت به نظم آورده است. بر این کتاب شروح متعددی نوشته شده که از مهمترین آنها می‌توان به *بهجة المریضیه* از ملاجلال سیوطی، *شرح ابن عقیل* و *منهج السالک* اشمونی اشاره کرد. چند بیتی از الفیه:

و اسم و فعل ثم حرف الکلم	کلامنا لفظ مفید کاستقیم
و کلمه بها کلام قد یؤم	واحد کلمه و القول عم
و مسند لاسم تمیز حصل	بالجر و التنوین و الندا و ال
و نون اقبلن فعل ینجلی	یتا فقلت و اتت و یافعلی
فعل مضارع یلی لم کیشم	سواهما الحرف کهل و فی و لم
پاننون فعل الامر ان امر فهم	و ماضی الافعال پالتا میز و سم
فیه هو اسم نحو صه و حیئل	و الامر ان لم یک للنون محل
یشبه من الحروف مدنی	والاسم منه معرب و مبنی

۲-۱-۲ عوامل منظومه

عوامل منظومه، رساله‌ای است منظوم با موضوع علم نحو، که عوامل اعراب را بیان می‌کند. این شعر به زبان فارسی و توسط کمال‌الدین بن حسام در سی و دو بیت سروده شده است. تعدادی از ابیات آن را برای نمونه ذکر می‌کنیم:

بر دو ضربند این عوامل، لفظی و بعضی دگر

معنوی میدان تو ای خوش طینت و نیکو لقا

باز لفظی بر دو قسم آید سماعی بعد از آن

قسم ثانی را قیاسی دان تو بی سهو و خطا

پس سماعی سیزده نوع است یکدم گوش‌دار

تا شمارم از برایت ابتدا تا انتها

عامل اندر نحو صد باشد چنین فرموده است

شیخ عبدالقاهر جرجانی آن مرد خدا

زان نود با هشت لفظی و دو عامل معنوی

باز لفظی بر دو قسم است یادگیر این حرف‌ها

(تفتازانی، فیض‌کاشانی و...، ۱۳۷۳: ۴۸۹)

۲-۲ منظومه در فلسفه و منطق

فلسفه از جمله‌ی علوم است که یادگیری آن دشوار و زمان‌بر است. به همین علت برای یادگیری آسان‌تر آن، چند منظومه سروده شده است.

۲-۲-۱ منظومه‌ی حاج ملاهادی سبزواری

منظومه‌ی حاج ملاهادی سبزواری (۱۲۱۲ - ۱۲۸۹ ق.) اثری فلسفی است که به غرر الفرائد نیز شهرت دارد. حاجی سبزواری، این منظومه را در هفت مقصد و به زبان عربی به نظم درآورده و به علت دشواری مطالب ناچار شده که خودش بر آن شرحی بنویسد.

نظمْتُها في الحكمة التي سَمَت	في الذكرِ بالخير الكثيرِ سُميت
سُميتُ هذا غررَ الفرائد	أودعتُ فيها عُقدَ العقاید
فَها أنا الخائضُ في المقصودِ	يعون ربِّي واجبَ الوجودِ

وَالْکُلُّ مُسْتَمِدَّةٌ مِنْ مَدَدِهِ	أَزْمَةُ الْأُمُورِ طَرَأَ بِإِيْدِهِ
وَكُلٌّ مُقْصَدٌ عَلَي فَرَائِدَ	إِنْ كِتَابُنَا عَلَي مَقَاصِدَ
أَوَّلِيْهِ كَانَتْ فِي الْوُجُودِ وَالْعَدَمِ	فَالْمَقْصَدُ الْأَوَّلُ فِي مَا هُوَ عَم

(سبزواری، ۱۴۲۰: ۴۷)

۲-۲-۲ تحفة الحکیم

آیت‌الله آشیک محمدحسین غروی اصفهانی (۱۲۹۶ - ۱۳۶۱ ق.) که به کمپانی مشهور است و علاوه بر فقه و اصول، در شعر و عرفان هم تبحر دارد، کتاب *تحفة الحکیم* (منظومه فی الحکمه و للعقول) را در قالب مثنوی و در بحر رجز و در آموزش فلسفه (حکمت متعالیه) سروده است، با این توضیح که معتقد بوده منظومه‌ی حاجی سبزواری اشکالاتی دارد. چند بیتی از ارجوزه‌ی ایشان:

يَخْتَصُّ بِالْوُجُودِ طَرْدُ الْعَدَمِ	إِذَا مَا سَوَاهُ عَدَمٌ أَوْ عَدَمِي
وَلَيْسَتْ الْعِلَّةُ لِلْمَعْلُولِ	مِنَاطُ طَرْدِ الْعَدَمِ الْبَدِيلِ
وَهُوَ مَدَارُ الْوَحْدَةِ الْمَعْتَبَرَةِ	فِي الْحَمْلِ بَلْ كَانَتْ بِهِ الْمَغَايِرَةِ
وَمَرْكَزُ التَّوْحِيدِ ذَاتاً وَصِفَةً	وَفِعْلاً أَيْضاً عِنْدَ أَهْلِ الْمَعْرِفَةِ
وَكُونُهُ مُطَابِقُ الْعُنْوَانِ	بِالذَّاتِ عَيْنُ الْكُونِ فِي الْأَعْيَانِ
وَلَيْسَ فِي ثُبُوتِهِ لَذَاتِهِ	غَنَاهُ عَنِ جَمِيعِ حَيَاثَاتِهِ

(اصفهانی غروی، ۱۳۷۷: ۱۱).

۲-۳-۲ منظومه در لغت

آموزش لغت و عدد به شعر، از جمله‌ی علوم‌ی است که از دیرباز تا کنون مورد استفاده‌ی معلمان و دانش‌آموزان بوده است.

۲-۳-۱ نصاب الصبیان

یکی از ارجوزه‌های مشهور در آموزش علم لغت، منظومه‌ی دویست بیتی *نصاب الصبیان* از ابونصر فراهی (قرن ششم و هفتم) است. این کتاب، سال‌ها به عنوان کتاب درسی در مکتبخانه‌ها تدریس شده. تصحیح علامه حسن حسن‌زاده آملی از چاپ‌های معتبر آن است.

اله است و الله و رحمان خدای	دلیل است و هادی تو گو رهنمای
محمد ستوده، امین استوار	به قرآن ثنا گفت وی را خدای
صحابه است یاران و آل اهل بیت	که اسلام و دین شد از ایشان به پای
سما آسمان، ارض و غبرا زمین	محل و مکان و معان است جای
سَقَر دوزخ و نار آتش، ولی	چه جنت؟ بهشت آخرت آن سرای
شَفَه لب، لسان چه؟ زبان فم دهان	یَد و جارحه دست و حلقوم نای

(فراهی، ۱۳۳۴: ۵).

۲-۴ منظومه در طب

علم طب از جمله‌ی علومی است که در یادگیری آن چندین ارجوزه تألیف شده است و هم‌چنان که در ابتدای بحث آوردیم یکی از اولین ارجوزه‌ها هم مربوط به همین علم است. به معرفی دو ارجوزه‌ی طبی و نمونه‌هایی از ابیات آن بسنده می‌کنیم.

۲-۴-۱ ارجوزه‌ی سینایی

ابن سینا (وفات ۴۲۷ ق.) که از بزرگترین پزشکان ایران و حتی جهان است، ارجوزه‌ای در بیان موضوعات طبی نوشته که از نظر زبانی به دو بخش فارسی و عربی تقسیم می‌شود. مهمترین این اشعار، *الارجوزه‌ی السینائیه* یا *الفیه‌ی الطبییه* است که در ۱۳۲۶ بیت اصول طب قدیم و شرح علائم کلیدی در تشخیص بیماری‌های مختلف و اشاره به درمان آنها را بیان می‌کند. این ارجوزه به زبان‌های انگلیسی و فرانسوی ترجمه شده و ابن رشد اندلسی (وفات ۵۹۵ ق.) بر آن شرحی کامل نوشته است. چند بیتی از دیباچه‌ی آن را نقل می‌کنیم:

الطب حفظ صحة براء مرض	مِنْ سَبَبٍ فِي بَدَنِ مِنْهُ عَرَضُ
قِسْمَةُ الْاُولَى لِعِلْمٍ وَ عَمَلٍ	وَ الْعِلْمُ فِي ثَلَاثَةٍ قَدْ اكْتَمَلَ
سَبْعُ طَبِيعِيَّاتٍ مِنَ الْاُمُورِ	وَ بَسْتَةٌ وَ كُلُّهَا ضَرُورُ
ثُمَّ ثَلَاثُ سَطَرَاتٍ فِي الْكُتُبِ	مِنْ مَرَضٍ وَ عَرَضٍ وَ سَبَبٍ
وَ عَمَلُ الطَّبِّ عَلَى ضَرْبَيْنِ	فَوَاحِدٍ يَعْمَلُ بِالْيَدَيْنِ
وَ غَيْرُهُ يَعْمَلُ بِالْاَدْوَاءِ	وَ مَا يَقْدِرُهُ مِنَ الْغِذَاءِ

(امین، ۱۳۸۸: ۸۲).

۴-۲-۲ ارجوزه یوسفی هروی

حکیم یوسف بن محمد هروی (وفات ۹۵۰ ق.) صاحب چند کتاب در علم طب است. مانند ریاض‌الدویه در مفردات، علاج‌الامراض (شامل ۲۸۹ رباعی در نشانه و علاج بیماری‌ها)، دلائل النبض، دلائل الادرار، سته‌ی ضروریه و... یکی از آثار او جامع‌الفوائد است که در آن بر اشعاری که حاوی نکات و آموزه‌های طبی هستند به صورت مُزجی شرحی کوتاه و ساده نوشته است. وی قصیده‌ای به نام حفظ الصّحه در ۴۴ بیت سروده که ابیاتی از آن را (بدون حفظ ترتیب کتاب) می‌آوریم:

ای که داری تندرستی از در حکمت در آ
تا به علت‌های گوناگون نگردي مبتلا
شیر را بسیار خوردن ای که عادت کرده‌ای
ترک عادت کن که خواهد شد برص پیدا تو را
گرد انگور آنکه خواهد خورد با لحم قدید
زندگانی‌اش به مرگ فجّاه خواهد شد هبا
با تو خواهد بود شب‌گوری و تاریکی چشم
گر فراوان میل خواهی کرد سیر و گندنا
ای برودت بر تو مستولی غسل می‌خور مدام
کز برایت گفته حق در وصف او «فیه شفا»
چون ز خواب روز گردد ذهن صافی تیره‌رنگ
دیگر آن آینه را مشکل توان دادن صفا
هرکه را عادت چنان باشد که در هنگام خواب
روی او تا وقت بیداری بود سوی سما
از سعال و نزله در تشویش باشد روز و شب
سر به سر اعضای او در درد باشد دائما
چون وبا پیدا شود در خانه باید سوختن
مصطکی و عود و عنبر بهر اصلاح هوا

ارجوزه‌ها و منظومه‌های متعددی در ابواب فقه وجود دارد. یکی از مهمترین آنها *الدره الصغیه فی نظم الفیه الشهدیه* سروده‌ی نورالدین علی بن عبدالصمد حارثی همدانی است که از کتب معتبر فقه است. از منظومه‌های دیگر می‌توان به کتاب *الفقهیه المستطرفه* سروده سیدمحسن کاظمی اعرجی، *الدره البیضاء* سروده میرزا ابوالقاسم طباطبایی سنگلجی، *الجنه المأوی* اثر سید محمد بن عبدالصمد اصفهانی شهبشانی، *نبراس الہدی* سروده حاج ملاهادی سبزواری و... اشاره کرد. به ذکر ابیاتی از دو منظومه‌ی فقهی اکتفا می‌کنیم.

۲-۵-۱ منظومه‌ی *الدره البہیہ*

منظومه‌ی *الدره البہیہ* که به نام‌های *الدره النجفیه* یا *الدره الغریبہ* نیز شناخته می‌شود توسط سیدمهدی بحر العلوم (قرن سیزدهم) سروده شده است و یکی از مهمترین و معتبرترین ارجوزه‌های فقهی است که تمام باب طهارت و صلات را شامل می‌شود. ابیاتی از آن را بدون حفظ ترتیب اصلی و در موضوعات زوال نجاست، حد دست، اشتراط مندوحه در تقیه و تیمم ذکر می‌کنیم:

و لو تعاقبنا علی رفع الحدث	لم یرتفع و لیس هکذا الخبث
و اجعل زوال العین فی الحيوان	طهراً کذا بواطن الانسان
و لا يجوز المسح الا فی اليد	وحدها الزند اذا لم تفقد
و فی اشتراط عدم المندوحه	قول و لکن لا اری تصحیحه
فالغرض فی هذا و نحوه البدل	والاصل لا یجری اذا الفرض انتقل
لکن یعود أن تکلف السبب	و ارتفع العذر بما قد ارتکب
و ضابط البطلان تحریم العمل	لا النهی عما یقتضیه اذ حصل

(امامزاده و عبدالهی، ۱۳۸۸: ۱۸).